

یادداشت

جغندرکاران آذربایجان غربی و سیاست ترویج، تویب و تحقیر

علی آبادیان

● آذربایجان غربی و به‌ویژه دشت‌های زرخیز جنوب استان از قطب‌های اصلی تولید جغندرقد در کشور هستند. بر اساس آمارهای موجود، در سال جاری نزدیک به ۴۰ هزار هکتار از زمین‌های حاصلخیز استان زیر کشت جغندرقد رفته است. این میزان از کشت جغندر در این خطه زرخیز را باید نوعی رکورد به حساب آورد و مهم‌تر از آن به مثابه فرصت نگریست، اما شوربختانه، نه این رکورد قابل اعتنا بوده است و نه به آن به چشم فرصت نگریسته می‌شود. شاهد این مدعا سخنان اخیر استاندار آذربایجان غربی است. او این‌بار و در این روزها و ساعت‌های حساس رفتن یا ماندنش در منصب استانداری از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در ارتباط با مسائل مربوط به کشاورزان جغندرکار انتقاد کرده است. صدا البته این انتقاد در راستای ح‌ل‌وفصل مشکلات همیشگی کشاورزان نبوده، بلکه در جهت منافع کارخانجات جغندرقد بوده است. آقای استاندار سال گذشته، برخلاف تمام قوانین و ضوابط شناخته‌شده، کشاورزان را از فروش جغندر به خارج از استان منع کرده بود و حتی تمهیدات لازم برای برخورد ضابطان فضایی با فروشندگان جغندر به خارج از استان را فراهم کرده بود. گویی در تعریف آقای استاندار، جغندرقد تولیدی زحمتکشان روستایی نوعی کالای قاچاق است که کشاورزان تنها مجوز فروش به کسانی را دارند که دستگاه‌های اجرایی تعیین کرده‌اند. به‌راستی مشکل در کجاست، چرا مقام‌های اجرایی به خود اجازه می‌دهند این‌گونه زحمتات و رنج‌های کشاورزان را بر باد دهند و کوچک‌ترین وقعی هم به خواست‌های آنان نزنند؟ مشکل در کجاست و از کجا باید ریشه این معضل و مشکل را خشکانید؟ نگارنده این سطور در سال‌های گذشته به‌کرات در نوشته‌ها و یادداشت‌های خود به مشکلات این بخش پرداخته و رزواای مختلف آن را بر اساس بررسی‌های میدانی و پیگیری‌های مجدانه مورد نقد و بحث قرار داده است. در اینجا مایلم بدون بازتکرار مطالب پیش‌گفته، یک‌بار سه معضل و مشکل اصلی متمرکز شوم:

نخست: همان‌گونه که بیان شد، در سال زراعی جاری میزان سطح زیر کشت جغندرقد در استان آذربایجان غربی ۴۰هزار هکتار است که بر اساس پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، دو میلیون و ۵۰۰ هزار تن جغندرقد، یعنی تقریباً دو‌برابر ظرفیت کارخانه‌های قند استان محصول تولید می‌شود. این میزان از سطح زیر کشت و محصول تولیدی آن در حالی است که قرار بود بر اساس مصوبات دستگاه‌های ذی‌ربط، سقف زیر کشت ۲۳ هزار هکتار باشد. براین‌اساس، ۱۷ هزار هکتار بیش از میزان تعیین‌شده در مصوبات دولتی، زمین‌های زراعی به زیر کشت جغندر رفته است. افزایش تقریباً دو‌برابر سطح زیر کشت جغندر نسبت به میزان تعیین‌شده، حکایت از ناکامی دستگاه‌های مسئول در اجرای مصوبات دولتی دارد. درواقع دستگاه‌های اجرایی و در رأس آن جهاد کشاورزی در زمینه اجرا و اعمال سیاست‌های تشویقی هیچ اقدام مؤثری انجام ندادند. به عبارتی دیگر آنها باید با اعطای مشوق‌های مختلف، کشاورزان را ترغیب به انجام کشت جایگزین می‌کردند یا اینکه در قبال مشوق‌های مادی سطح زیرکشت جغندر را تقلیل می‌دادند؛ اقدامی که باید انجام می‌گرفت. اما هیچ‌گاه در کانون توجه قرار نگرفت. این امر نشانگر آن است که مسئولان و مجریان بخش کشاورزی هیچ اهمنامی به اجرای سیاست‌های استراتژیک کلان در زمینه تولید محصولات ندارند و بین آنچه در عمل انجام می‌دهند با آنچه در رسانه‌ها اعلام می‌کنند، تفاوت از زمین تا آسمان است.

دوم: جغندرقد مانند بسیاری از محصولات کشاورزی به دلیل وجود سیاست‌های نادرست در مرحله عرضه و فروش با بحران جدی مواجه است. نگاهی به تجربیات چند دهه اخیر نشان می‌دهد که کشاورزان همواره برای فروش این محصول مشکل داشته‌اند. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که طبق یک سازوکار نامناسب جغندرکاران در قالب قراردادهای ناعادلانه مجبور به فروش جغندر به کارخانجات قند هستند. این کارخانجات، محصول تولیدی کشاورزان را در قالب قراردادهای ناعادلانه دریافت می‌کنند و حق و حساب کشاورزان را هم به اختیار خود و در هر زمان که اراده کنند، پرداخت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال کشاورزان جغندرکار، مطالبات خود بابت جغندر تولیدی سال گذشته را در اواخر مردادماه سال جاری دریافت کرده‌اند؛ یعنی کشاورز جغندرکار پس از گذشت یک سال هزینه کالای خود را دریافت می‌دارد. کارخانجات قند به‌هیچ‌وجه خود را در قبال حقوق کشاورزان مسئول نمی‌دانند و قراردادهای خرید جغندر قند را هم به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که کشاورز توان هیچ‌گونه اعتراضی نداشته باشد. به عبارتی این قراردادها چنان یک‌طرفه و به‌دور از هرگونه ضوابط موجود قانونی درباره مبادله و فروش تنظیم شده‌اند که تمامی حقوق فروشنده پایمال شده و تنها حقوق خریدار مورد تأکید قرار گرفته است. نگاهی به قراردادهای مذکور نشانگر آن است که تمامی بندها در راستای منافع کارخانجات قند تنظیم شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه در این قرارداد آمده است که کارخانه تنها ۴۵ تن در هر هکتار را از جغندرکار دریافت کند. این در حالی است که میانگین عملکرد در هر هکتار نزدیک به ۸۰ تن جغندر قند بوده و عملکرد تا ۱۲۰ تن هم ثبت شده است.

ادامه در صفحه ۱۵

اقتصاد

هدف گذاری بزرگ با شرکتي بحران زده محقق می شود؟

خودکفایی توتون سیگار تا پایان برنامه ششم

دخانیات بعد از خصوصی سازی در دولت دهم، فلکی در خدمت صندوق بازنشستگی فولاد شد



اختلافات داخلی بر سر مدیریت و مخالفت‌های گسترده فعالان بهداشت با نوسازی خطوط تولید خود بود. این شرکت‌های خارجی و قاچاقچیان کالا بودند که هر روز سهم خود را از بازار سیگار ایران گسترده‌تر کردند. دو شرکت بزرگ خارجی صنعت دخانیات در ایران شرکت تنباکووی ژاپن (JTI)، عرضه‌کننده برندهایی مانند وینستون و مگنا و شرکت بریتیش امریکن تنباکو (BAT)، عرضه‌کننده برندهایی مانند کنت و پال‌مال هستند. شرکت‌هایی که سهم عمده‌ای از فروش سیگار در کشور سورگ مازندران، کارخانجات سیگارسازی مرکز در تهران، چند کارخانه سیگارسازی در گیلان، کارخانه سیگارسازی خمینی‌شهر اصفهان و کارخانه سیگارسازی ارومیه تنها بخشی از مجموعه بزرگ شرکت دخانیات ایران هستند. مجموعه بزرگی که برندهای مختلف سیگار مانند انواع پهمن، زیکا، تیر، کاسپین، ۵۷۰، ۵۲۰ و فروردین را تولید می‌کند و با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی تولید سیگار نیز تولید مشترک دارد. شرکت دخانیات ایران سال‌ها براساس قانون انحصار تولید توتون، تنها خریدار توتون تولیدشده به وسیله کشاورزان ایرانی نیز بوده و همواره افزایش تولید توتون را در دستور کار خود داشته؛ اما نگاهی به آمار و ارقام تولید توتون در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد عملاً هیچ‌گاه افزایش تولید واقعی و معنادار به سمت خودکفایی توتون در ایران رخ نداده است.

خصوصی سازی، آغاز بحران جدی دخانیات

تعیوض پیایی مدیران و گاهی به‌کارگیری مدیرانی بی‌تجربه در صنعت دخانیات، مخالفت‌های برخی از فعالان حوزه بهداشت و تقویت صنعت دخانیات و نیز نبود برنامه‌ریزی علمی و واقع‌گرا از مهم‌ترین دلایلی است که کارشناسان برای توفیق نداشتن در رسیدن به این هدف ذکر می‌کنند؛ اما مشکلات شرکت دخانیات محدود به این اشکالات رایج در صنعت ایران نیست. بسیاری از کارشناسان خصوصی‌سازی شرکت دخانیات در سال‌های پایانی دولت دهم را آغاز بحران جدی شرکت دخانیات ایران در دهه اخیر می‌دانند. آنجا که در آخرین ماه‌های دولت دهم و با تمسک به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی، ۵۵ درصد از سهام این شرکت بابت ردّ دیون دولت به صندوق بازنشستگی کارکنان صنایع فولاد به این صندوق واگذار شد. واگذاری شرکت دخانیات به صندوق بازنشستگی کارکنان صنایع فولاد از همان ابتدا موافقان و مخالفانی جدی داشت. بسیاری این واگذاری را نوعی از این حیث به آن حیث کردن دولت می‌دانستند و عده‌ای دیگر این اقدام را قدمی مؤثر برای جایک‌سازی صنعت دخانی کشور ارزیابی می‌کردند. چالش‌های واگذاری شرکت دخانیات به صندوق بازنشستگی فولاد به همین‌جا ختم نشد. خیلی زود اعمال قدرت حاصل از سهام‌داری صندوق بازنشستگی فولاد در تغییر مدیران شرکت دخانیات با مخالفت کارشناسان و مدیران کهنه‌کار دخانیات روبه‌رو شد. آنان حضور مدیران تازه را که اغلب سررشته‌ای از صنعت دخانیات نداشتند، عاملی بی‌ثبات‌کننده می‌پنداشتند و معتقد بودند نگاه مدیران صندوق بازنشستگی فولاد به شرکت دخانیات نه به شکل بنگاهی اقتصادی برای سودآوری بلکه به شکل فلکی برای حل مشکلات صندوق است و در مقابل مدیران صندوق مدعی بودند که شرکت دخانیات با قیمتی بالاتر از قیمت واقعی به آنان واگذار شده و سهم ۵۵درصدی از شرکت به آحاد اهالی می‌دهد در نحوه مدیریت آن اعمال نظر کنند. از طرفی پیش‌از آن نیز ۴۰ درصد سهام شرکت دخانیات به سهام عدالت اختصاص یافته بود که گره ایجادشده در مدیریت شرکت دخانیات را بیش‌ازپیش پیچیده می‌کرد. در چنین شرایطی کاهش درآمد شرکت دخانیات (با شاید کاهش سهم شرکت دخانیات از سود خود) مشکلات دیگری را نیز در این شرکت به وجود آورد. از مشکلات مربوط به تأمین مواد اولیه و خطوط تولید تا کاهش شدید پاداش کارکنان و تأخیر در ارائه خدمات بیمه کارگران تنها بخشی از مشکلات تازه شرکت دخانیات بود که فرصت هرگونه برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف‌های بزرگ‌تر مانند افزایش تولید توتون داخلی با حمایت از کشاورز ایرانی را از ایشان می‌گرفت. بحران‌های شرکت دخانیات در شرایطی یکی پس از دیگری روی می‌داد که رقبای خارجی و قاچاقچیان کاملاً منظم و حساب‌شده در حال رقابت برای به‌دست‌آوردن سهم بزرگ‌تری از بازار سیگار ایران بودند.

«سلاطین ژاپنی»، «شرکای آمریکایی-انگلیسی» و «برادران قاچاقچی»

در شرایطی که شرکت دخانیات ایران درگیر

توتون‌کاران گیلانی سال‌های طلایی را به یاد می‌آورند که با یک کارت ساده توتون‌کاری، انواع خدمات درمانی از ویزیت ساده پزشک عمومی تا سنگین‌ترین عمل‌های جراحی را به رایگان در بیمارستان توتون‌کاران رشت که سهام‌دار عمده‌اش شرکت دخانیات بود، دریافت می‌کردند. سال‌هایی طلایی که البته به درازا نکشید و خیلی زود عصر یخبندان تولید توتون آغاز شد. در بسیاری از موارد و در سال‌های پیایی، پول توتون‌های خریداری‌شده کشاورزان از سوی شرکت دخانیات بسیار دیرتر از موعد به آنان پرداخت می‌شد و از آنجا که تنها مشتری توتون‌ها نیز شرکت دخانیات بود، عملاً امکان هرگونه مقاومت در برابر این بدقولی‌ها وجود نداشت. در اغلب موارد نیز قیمتی که شرکت دخانیات برای خرید توتون به کشاورزان پیشنهاد می‌کرد، پایین‌تر از قیمتی بود که کشاورزان انتظار داشتند و باز این توتون‌کاران بودند که مجبور به پذیرش شرایط شرکت می‌شدند، خدماتی مانند بیمه درمانی نیز به فراموشی سپرده شدند تا بالاخره توتون‌کاران یکی پس از دیگری عطای تولید توتون را به لقایش ببخشند و سراغ تولید محصولاتی بروند که رنج تولید کمتر و مشتری دست به نقد داشته‌اند. خاطرات بد آن روزهای تلخ شاید امروز مهم‌ترین دلیلی است که کشاورزان را از بازگشت به عرصه تولید توتون باز می‌دارد.

در جست وجوی زمان از دست‌رفته

اینک اما به نظر می‌رسد فصل تازه‌ای در تولید توتون کشور آغاز شده است. مشکلات شرکت دخانیات ایران هنوز پایرجاست اما انحصار خرید توتون برداشته شده و حالا مشتریان دیگری نیز برای خرید توتون باکیفیت ایرانی وجود دارند که آن را به قیمت خوبی در خارج از مرزها می‌فروشند. از طرفی شرکت دخانیات نیز قدم‌های تازه‌ای برای جبران اشتباهات گذشته‌اش برداشته است و شرایطی را مهیا کرده که می‌تواند کشاورزان را برای آغاز دوباره تولید توتون وسوسه کند. کارشناسان جوانی نیز در استان‌های مختلف کشور در برنامه‌های ترویجی شرکت دخانیات شرکت می‌کنند تا کشاورزان را به کاشت توتون مجاب کنند. یکی از این کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» از اقداماتی می‌گوید که شرکت دخانیات برای تشویق کشاورزان انجام می‌دهد. به گفته یاسر مهدوی، هر کشاورزی که تصمیم بگیرد برای تولید توتون اقدام کند، می‌تواند از شرکت دخانیات نشای رایگان دریافت کند و پس از سبز شدن برگ‌های توتون نیز دیگر نیازی به فراوری یا همان خشک‌کردن توتون ندارد و شرکت دخانیات برگ سبز توتون کشاورزان را خود در گرمخانه‌های شرکت خشک می‌کند. دستگاه‌های کاشت و برداشت مکانیزه نیز با یک‌سوم قیمت واقعی در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد تا زحمت کاشت توتون را به مراتب از روش سنتی آن کمتر کند و به‌این‌ترتیب هر کشاورز می‌تواند در هر هکتار بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان سود خالص از کاشت توتون به دست آورد. از طرفی با توجه به مشکل کم‌آبی در کشور، توتون به‌عنوان محصولی کشاورزی که به آب بسیار کمی نیاز دارد و در استان‌های شمالی امکان کاشت دیم آن نیز وجود دارد، می‌تواند بهترین جایگزین محصولات تولیدی فعلی کشاورزان باشد. مهدوی البته از بدگمانی‌های کشاورزان قدیمی به کاشت پرزحمت توتون با روش‌های سنتی و خاطرات تلخ گذشته می‌گوید اما امیدوارانه از نسل جدیدی صحبت می‌کند که می‌توانند طلسم افزایش تولید توتون در کشور را بشکنند. او که امیدوارانه با کمک همکارانش تلاش می‌کند در شهرستان خود صومعه‌سرا، کاشت توتون را احیا کند، رسیدن به اهداف برنامه ششم توسعه را غیرممکن نمی‌بیند و خبر از افزایش تولید در سال‌های جاری و آینده می‌دهد. خبری که می‌تواند نشانه‌ای از پایان عصر یخبندان تولید توتون ایران باشد.

تولید بیش از ۳ میلیارد دلار ماشین آلات صنعتی در کشور

● وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: هزارو ۵۰۰ تولیدکننده بزرگ صنعتی و دو هزار واحد کوچک، سالانه بیش از سه میلیارد دلار تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی تولید می‌کنند. به گزارش ایرنا، محمد شریعتمداری روز جمعه در حاشیه هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت در جمع خبرنگاران افزود: درمجموع این واحدهای صنعتی در کشور هم‌اکنون بیش از یک میلیون تن تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی تولید می‌کنند. وی یادآور شد: با وجود مواد اولیه مورد نیاز صنایع و تلاش متخصصان داخلی ظرفیت‌های خوبی برای افزایش تولید ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی در کشور فراهم شده است و دانشگاه‌ها نیز می‌توانند در این زمینه به صنعتگران و فعالان تجاری کمک‌های تخصصی و فنی ارائه کنند. وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به شرکت بیش از ۵۳۰ شرکت خارجی در این نمایشگاه اظهار کرد: خوشبختانه در فضای پس از برجام شرایط مناسبی برای انجام مذاکرات تجاری، فنی و صنعتی به‌ویژه در صنایع پیچیده برای شرکت‌های داخلی فراهم شده است.

تردید در تولید ۱۲ میلیون لیتر بنزین تا پایان سال

● یکی از مهم‌ترین بخش‌های فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس واحد آیزومریزاسیون است و تا وقتی این واحد به تولید نرسد، نمی‌توان انتظار داشت که روزانه از فاز نخست این پالایشگاه ۱۲ میلیون لیتر بنزین تولید کرد. به گزارش فارس فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس پس از گذشت ۱۱ سال از زمان آغاز عملیات اجرایی، درحالی‌که هنوز کامل نبود با عنوان «آغاز تولید مستمر بنزین» در اردیبهشت‌ماه سال جاری ازسوی رئیس‌جمهوری و وزیر نفت افتتاح شد. با گذشت بیش از پنج ماه هنوز ظرفیت تولید بنزین در فاز نخست به ظرفیت کامل یعنی ۱۲ میلیون لیتر در روز نرسیده است و ظاهراً رسیدن به این رقم تولید تا پایان سال خواهد برد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های فاز نخست پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس واحد آیزومریزاسیون است که به گفته «مرتضی امامی»، مدیرعامل پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، قرار بود این واحد تا پایان مردادماه به بهره‌برداری برسد که این مهم با وجود به پایان رسیدن شهریورماه و گذشت بیش از یک هفته از مهر، هنوز محقق نشده است.

تامین آتیه فرزندان

فردای طلایی کودکم

مسکن، اشتغال، ازدواج، تحصیل



www.Kins.ir

تلفن: ۸۹۳۸۲

شرکت بیمه کوثر
(سهامی عام)